

دکتر رابرت ای. پترسون، کار نجات بخش مسیح، جلسه ۱۷، ۶ تصاویری از کار مسیح، بخش ۳ مسیح پیروز ما و آدم دوم

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد کارهای نجات بخش مسیح است. این جلسه ۱۷، تصاویری از کار مسیح، بخش ۳، مسیح پیروز ما و آدم دوم است.

ما در حال مطالعه تصاویر کتاب مقدس هستیم که خداوند به لطف خود برای ما ترسیم کرده است، یا به عبارت دیگر، تم‌های موسیقی، اگر بخواهید، تفسیری از آنچه عیسی برای ما انجام داد، ارائه می‌دهند.

زیرا با پیشروی داستان کتاب مقدس در عهد جدید، خدای پسر به انسان تبدیل می‌شود. ما قبلاً در مورد تجسم او، زندگی بدون گناه، مرگ و رستاخیز، عروج، نشستن در دست راست خدا، جلسه او، ریختن روح او بر کلیسا، شفاعت او و ظهور مجدد او فکر کرده‌ایم. همه اینها کارهای نجات بخش او هستند.

البته، هسته اصلی، مرگ و رستاخیز اوست. اما رویدادها خود تفسیرگر نیستند، و بنابراین خداوند نه تنها از طریق پسرش در تاریخ عمل می‌کند، بلکه با روح خود از حواریون عهد جدید برای تفسیر کارهای نجات بخش عیسی یا به عنوان یک کل، کار نجات بخش او استفاده می‌کند. ما برخی از این تصاویر کتاب مقدس را بررسی کرده‌ایم.

ما به آشتی فکر کردیم، جایی که عیسی مسیح صلح‌آوری است که بین خدا و ما صلح برقرار می‌کند، و با یک عمل انعکاسی بین خدا و ما، به جای دشمنی با او، ما دوستان او هستیم. و صلح وجود دارد؛ ما به طور عینی با خدا صلح داریم، که البته، سپس به صلح در قلب‌های ما تبدیل می‌شود. ما به رستگاری فکر کردیم، اینکه چگونه خدا در مسیح بردگان گناه، یعنی ما مؤمنان را آزاد کرد تا اکنون از آزادی مسیحی برخوردار باشیم، در حالی که قبلاً در گناهان و خطاها اسیر بودیم.

این کار منجی ماست. سپس، بررسی کردیم که در نهایت، مهم‌ترین موضوع چیست. من وقتی این چیزها را تدریس می‌کردم، با این کار شروع نکردم.

من ترجیح دادم بگویم، ببینید، چیزی بیش از قربانی و جایگزینی مجازات وجود دارد. من سال‌ها، حتی هنگام خواندن مقالات در انجمن الهیات انجیلی، چهار موضوع دیگر را بررسی کردم. بنابراین این نتیجه‌گیری به سختی حاصل شده است.

جانشینی زمانی است که عیسی به جای قوم خود می‌میرد، خواسته‌های شریعت را برآورده می‌کند و از شخصیت اخلاقی خود خدا، به ویژه تقدس و عدالت او، دفاع می‌کند. در نهایت استدلال خواهیم کرد که این مهم‌ترین موضوع از بین شش موضوع است. ما به هر شش موضوع نیاز داریم.

در واقع، کتاب مقدس بیش از این می‌گوید. اما اینها موارد مهم هستند و ما به همه آنها نیاز داریم. اما ما آشتی، رستگاری و جایگزینی را در نظر گرفته‌ایم.

در سخنرانی‌های این روزها، می‌خواهیم درباره مسیح پیروز ما، مسیح آدم دوم، که اطاعتش نافرمانی آدم را باطل می‌کند، و مسیح، قربانی و کاهن اعظم بزرگ ما، مسیح پیروز ما، فکر کنیم. اگر بخواهیم از اصطلاح فنی الهیاتی استفاده کنیم، مسیح پیروز، از کتاب حماسه‌آفرین گوستاو آرن

من قبلاً آن را ارزیابی کرده‌ام، از جمله به خاطر اشتباهاتش آن را نقد کرده‌ام. او سعی کرد مضمون پیروزی را نه تنها به مضمون اصلی تاریخ کلیسا، بلکه حتی به تنها مضمون در شخصیت‌هایی مانند ایرنائوس و مارتین لوتر تبدیل کند، و این درست نیست. همانطور که قبلاً گفتم، لوتر تعدادی تصویر و مضمون دارد، اما دو مورد غالب، که اگر بتوانید اینگونه صحبت کنید، برای برتری رقابت می‌کنند، جاننشینی کیفری و مسیح پیروز در لوتر هستند.

تصور می‌شود که ایرنائوس بیشتر درگیر است، و در واقع، اگر قرار باشد یک چیز بگویید، باید بگویید خلاصه که ترجمه آن به مضمون دوم خلقت تازه آدم نزدیک‌تر است. زیان مسیح ویکتور در سراسر کتاب مقدس وجود دارد، درست است؟ ما وقت نداریم که به همه این قسمت‌ها نگاه کنیم، اما پیدایش ۱۵: ۳، اولین اشاره به رستگاری، خروج ۱۵: ۱ تا ۲۱، اول سموئیل ۱۷، مزمو ۱۱۰، ارمیا ۲۱، دانیال ۷، متی ۴، مرقس ۱، لوقا یوحنا ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، اعمال رسولان ۱۰، اعمال رسولان ۲۶، کولسیان ۱: ۱۳، ۱۴، کولسیان ۲: ۱۴ و ۴، عبرانیان ۱: ۱۳ و ۲: ۱۴ و ۱۵. حوزه مسیح ویکتور، حوزه درگیری و نبرد است، ۱۵.

این یک مضمون جنگجو بین خدا و دشمنانش است. در عهد عتیق، این تصویر به عنوان الهیات جنگ الهی یک مضمون پذیرفته شده در ادبیات عهد عتیق، ظاهر می‌شود و در عهد جدید، جنگجوی الهی یکی از ما می‌شود و جنگجوی الهی، مسیح پیروز، قهرمان ما است. این چیز زیبایی است.

این بلافاصله الوهیت مسیح را نشان می‌دهد، و در واقع، گوستاف آولن، تلاش می‌کند تا از طریق رسانه‌ها جایگاهی میانی بین الهیات نفوذ اخلاقی لیبرال و الهیات جایگزینی کیفری بنیادگرایانه ایجاد کند. اگر ممکن باشد، او در مضمون پیروز مسیح بیش از حد بر الوهیت مسیح تأکید کرده است، اما مسیح پسر الهی خداست که از طریق مریم به پسر الهی-انسانی خدا تبدیل می‌شود، و او در عهد جدید پیروز است و جای خدای جنگجو، یهوه جنگجو در عهد عتیق را می‌گیرد. پیشینه عهد عتیق شامل انجیل اولیه، انجیل پیدایش اولین وعده رستگاری و سرودهای موسی و میریام است، 3:15.

آنها یهوه، جنگجو، را ستایش می‌کنند. حال، این یک تصویر از خداست. این تنها تصویر از خدا یا تصویر غالب نیست، اما تصویری است که باید آموزه‌های کتاب مقدس را در نظر گرفت.

استاد وفادار من در الهیات سیستماتیک، رابرت جی. دانزویلر، قبلاً به ما درس می‌داد. من آن زمان یک جوان بی‌تجربه بودم، اما برای درک آموزه‌های کتاب مقدس به آنها گوش می‌دادم. باید کل کتاب مقدس را در نظر گرفت.

بنابراین، یهوه به عنوان یک جنگجو بخشی از تصویر است، اما یهوه چوپان، باغبان، قاضی و ناجی است و بسیاری از چیزهای دیگر که در عهد عتیق به تنهایی وجود دارد. داوود و جالوت. این در درجه اول نمونه‌ای از چگونگی شکست دادن جالوت‌ها، مشکلات زندگی شما نیست.

داوود می‌گوید، این یهوه است که در حال جنگ با این فلسطینیان بی‌خدا است که جرأت می‌کنند لشکریان خدای زنده را تهدید کنند. وای. شما با شمشیر و سپر نزد من آمدید، و آنها بسیار قدرتمند بودند.

داوود حتی نمی‌توانست، به سختی می‌توانست آنها را بلند کند. بعداً برای بریدن سر جالوت به دو دست نیاز بود، اما من به نام خدای زنده به شما می‌گویم. البته بازیگر اصلی در عهد عتیق خداست.

پیشگویی‌های مربوط به پروردگار داوود، مزمور ۱۱۰، شامل جنگ و پیروزی در نبرد خداوند برای پروردگار داوود، تبعید بابلی، ارمیا ۲۱:۳ تا ۷، و پسر الهی انسان در دانیال ۷:۱۳ و ۱۴ می‌شود. تعریف. مسیح، قهرمان ما، تصویر عهد جدید از عیسی به عنوان تجسم یهوه، جنگجوی الهی عهد عتیق است.

پسر قدرتمند خدا که انسان شد، دشمنانی را که بسیار قدرتمندتر از ما هستند، شکست می‌دهد. او چگونه این کار را انجام می‌دهد؟ شما پاسخ را از طریق مرگ و رستاخیز او می‌دانید. کار او به عنوان مسیح پیروز، پیروزی جزئی در حال حاضر، پیروزی واقعی اما جزئی در حال حاضر، و رهایی کامل در رستاخیز ما و در آسمان‌ها و زمین جدید را برای ما به ارمغان می‌آورد.

نیاز. نیاز بشر به مسیح، قهرمان ما، شامل دشمنان بسیار و وحشتناکی است که در برابر ما صف‌آرایی کرده‌اند. این دشمنان شامل شیطان، دیوها و جهان می‌شوند.

ما باید واجد شرایط باشیم، نه به عنوان خلقت زیبای خدا، بلکه به عنوان سیستمی که علیه خدا و قومش قرار گرفته است. عهد جدید از کلمه جهان به این معنا استفاده می‌کند. دشمنان انسانی، مرگ و جهنم

اینها دشمنان ما هستند، خیلی قدرتمند. آیا کسی می‌تواند مرگ را شکست دهد؟ من فکر نمی‌کنم. اوه بله، یک مرد می‌تواند، اما او یک انسان صرف نیست؛ او خدا-انسان است، و کلیدهای مرگ و قبر را دارد، همانطور که در کتاب مکاشفه می‌گوید، زیرا او به عنوان پیروز ما آن را شکست داد.

آغازگر در هر بن‌مایه، البته خود خداست. خدا ابتکار عمل را برای شکست دادن دشمنان خود و ما به دست می‌گیرد. او در عهد عتیق به عنوان یهوه، جنگجوی الهی، و در عهد جدید به عنوان مسیح، پیروز ما، ظاهر می‌شود.

پدر، اول قرن‌تین ۱۵:۵۷، کولسیان ۱:۱۳، ۱۴، کولسیان ۲:۱۴، ۱۵، عبرانیان ۱:۱۳، پسر، اعمال رسولان عبرانیان ۲:۱۴، ۱۵، اول یوحنا ۳:۸، مکاشفه ۱۷:۱۴، و ۱۹:۱۱ تا ۱۶، پدر، پسر و روح القدس، متی ۱۱:۳۸، اعمال رسولان ۱۰:۳۷، ۳۸، همگی نقش‌هایی ایفا می‌کنند، اما تمرکز، البته، بر مسیح، فاتح ما، و ۱۲:۲۸، تجسم، مرگ، رستاخیز، صعود، جلسه و بازگشت او است. واسطه، از منظر درگیری بین شیطان و خدا، واسطه، مسیح عیسی است، نقل قول، رب الاریاب و پادشاه پادشاهان، نقل قول نزدیک، مکاشفه ۱۷:۱۴، قهرمان قدرتمند ما، کریستوس ویکتور، عمل می‌کند. کار مسیح ویکتور شامل تجسم او می‌شود، ۱۶، ۱۹، عبرانیان ۲:۱۴؛ او انسانی از جسم و خون شد؛ او درست مانند فرزندان و هم‌نوعانش از جسم و خون بهره برد، تا از طریق مرگ، کسی را که قدرت مرگ را در دست دارد، یعنی شیطان، شکست دهد.

خدمت زمینی او بخشی از الهیات مسیح ویکتور است، از جمله تحمل موفقیت‌آمیز و سوسه‌ها و جن‌گیری‌های شیطان. آیا آمده‌ای تا ما را پیش از موعد عذاب دهی، ای پسر مقدس خدا؟ بله، کمی، اما شیاطین تو هنوز چیزی ندیده‌اند. وقتی بره خشم خود را رها می‌کند، مکاشفه در مورد ترکیب استعاره‌ها، صحبت می‌کند، مسیح را به عنوان بره معرفی می‌کند؛ هر استفاده‌ای از این کلمه به جز یکی در کتاب مکاشفه، از مسیح صحبت می‌کند. هنگامی که به عنوان تشبیه استفاده می‌شود، جانور دریایی شاخ‌هایی مانند بره دارد در غیر این صورت همیشه نمادی برای مسیح است و معمولاً خون خود را برای رستگاری قوم خود می‌ریزد، اما حداقل یک بار از خشم بره صحبت می‌کند.

چه راهی برای نشان دادن نیت خدا در فرستادن پسرش، نه داوری یا محکوم کردن، بلکه نجات دادن بود. او بره است، اما وای بر کسانی که با بره مخالفت می‌کنند، زیرا بره داور است و او بر همه کسانی که او را رد

می‌کنند، خشم دارد. کار مسیح ویکتور شامل تجسم او و خدمت زمینی‌اش، از جمله تحمل موفقیت‌آمیز و سوسه‌های شیطان و بیرون راندن شیاطین، به ویژه مرگ او، می‌شود.

یوحنا ۱۲:۳۱ تا ۳۳، کولسیان ۲:۱۴، ۱۵، عبرانیان ۲:۱۴، ۱۵، مکاشفه ۱۲:۱۱، و البته رستاخیز او بخشی از پیروزی اوست. اول قرن‌تین ۱۵:۴، اول قرن‌تین ۱۵:۵۴ تا ۵۷، جایی که پولس با استفاده از هوش، مرگ را به سخره می‌گیرد. ای مرگ، نیش تو کجاست؟ نجات‌دهنده ما زنده است و تو شکست خورده‌ای، مرگ را شخصیت می‌بخشی و با آن در قالبی به نام آپاستروف صحبت می‌کنی.

افسسیان ۱:۱۹ تا ۲۲، صعود او به دست راست خدا بخشی از پیروزی اوست. افسسیان ۱:۱۹ تا ۲۲، اول پطرس ۳:۲۱ تا ۲۲، جلسه او در دست راست خدا نشسته است. او به عنوان نایب‌السلطنه مشترک با پدر و به عنوان پیروز نشسته است.

مکاشفه ۳:۲۱، و بازگشت او، که در مکاشفه ۱۹:۱۱ تا ۱۶ ثبت شده است، به عنوان پیروزی قدرتمند بر دشمنان او و ما. نتایج حال و آینده کار مسیح، فاتح ما. عیسی، قهرمان قدرتمند ما، اکنون پیروزی بزرگی به دست آورده است و در آینده پیروزی حتی بزرگتری به دست خواهد آورد.

اکنون، به دلیل پیروزی او، مؤمنان در عشق او ایمان هستند، رومیان ۸:۳۸، ۳۹، به قدرت عظیم خدا که در رستاخیز و جلسه مسیح نشان داده شده است، افسسیان ۱:۲۰ و ۲۱ دسترسی دارند و نیازی به ترس از شر ندارند. اول یوحنا ۴:۴، او که در شماسه بزرگتر از اوست که در جهان است. در بازگشت او، دشمنان خود و ما را کاملاً شکست خواهد داد، مکاشفه ۱۹:۱۱ تا ۱۶، از جمله مرگ، نقل قول، زیرا او باید سلطنت کند تا زمانی که همه دشمنانش را زیر پای خود قرار دهد.

آخرین دشمنی که نابود می‌شود، مرگ است، نقل قول نزدیک، اول قرن‌تین ۱۵:۲۵، ۲۶. در نتیجه، قوم او از مردگان برخیزند و مرگ را مسخره کنند، اول قرن‌تین ۱۵:۵۴ تا ۵۷. به دلیل دستاورد نجات‌بخش او، نقل قول خود خلقت از قید فساد آزاد خواهد شد و آزادی جلال فرزندان خدا را به دست خواهد آورد، رومیان ۸:۲۱.

ارتباط با سایر آموزه‌ها، و من سال‌ها این را نمی‌دانستم، اما می‌گویم در ۱۰ سال گذشته آن را یاد گرفتم، تخمین من از زمان در سن ایده‌آل فعلی‌ام که ۷۲ سال است کمی متزلزل است، بنابراین وقتی می‌گویم ۱۰، احتمالاً آخرین ۱۵ سال است. اینگونه است که این اتفاق می‌افتد. قابل توجه است که در کولسیان ۲: ۱۴، متن کلیدی پولس در مورد موضوع مسیح پیروز، و تنها جایی که او توضیح می‌دهد که چگونه مسیح پیروز، ۱۵، می‌شود، موضوع در خدمت جایگزینی مجازات است.

جذاب. به عبارت دیگر، مسیح ویکتور به قدرت توضیحی جایگزینی مجازات نیاز دارد، به این ترتیب است که خداوند دشمنان ما را در مسیح شکست می‌دهد. از نظر دامنه، همانطور که در مورد سایر تصاویر اعمال نجات‌بخش مسیح صادق بود، مسیح ویکتور مربوط به مؤمنان، کلیسا و کل خلقت است.

آیا من اینجا الگویی را حس می‌کنم؟ بله. گراهام کول به زیبایی می‌گوید، نقل قول می‌کنم، کتاب مقدس آشکارا ما را به عنوان مخلوقات خطاب می‌کند. پولس نامه‌های خود را به فرشتگان، حاکمان و قدرت‌ها نوشت.

در نتیجه، ممکن است از بوم نقاشی وسیع‌تر غافل شویم. اگر تصویر بزرگ‌تر را ببینیم، می‌توانیم تصویر را کوچک‌تر و از اندازه واقعی‌اش کوچک‌تر کنیم. با این حال، عهد جدید گاهی اوقات پرده را کنار می‌زند تا نشان دهد که خداوند نکته‌ای کیهانی برای گفتن دارد.

پولس به افسسیان می‌نویسد که هدفش این بود که اکنون، از طریق کلیسا، حکمت گوناگون خدا بر حاکمان و قدرت‌ها در قلمروهای آسمانی آشکار شود، مطابق با هدف ابدی او که در مسیح عیسی، پروردگار ما، به انجام رساند. در او، و از طریق ایمان به او، می‌توانیم با آزادی و اطمینان به خدا نزدیک شویم. موضوع بعدی ما مسیح به عنوان آدم دوم است، اما می‌خواهم به چند متن نگاه کنم.

کولسیان ۲ فوق‌العاده است. این بخش اصلی مسیح ویکتور در کتاب پولس است و قابل توجه است. پولس مانند سایر قسمت‌ها، از تصویرسازی رژه پیروزمندانه برای ستایش عمل خدا در مسیح استفاده می‌کند.

نظر خیلی قبل‌تر من را در مقدمه‌ی بخش مسیح‌شناسی به یاد بیاورید که می‌گفت الهیات سیستماتیک، آنچه را که خدا کنار هم می‌گذارد، از هم جدا می‌کند، و اگرچه برای درک بهتر، هرگز نمی‌توانستم حتی همه این چیزها را بدون نوعی نظم و الگو در ذهنم نگه دارم، اما فکر کردن به انجام این کار در مسیح‌شناسی کامل به طور همزمان، واقعاً، بسیار طاقت‌فرسا است. بنابراین، اما با این وجود، برای جلوگیری از تصنعی بودن الهیات سیستماتیک، همه چیز را دوباره کنار هم قرار می‌دهیم. و در اینجا، و همانطور که گفتم در متون اصلی مربوط به کفاره در عهد جدید، شخص مسیح را درست همانجا، درست در گوشه و کنار می‌یابیم.

خب، او اینجاست، کولسیان ۲:۹، در او، مسیح، تمام کمال الوهیت به صورت جسمانی ساکن است. این با این گفته که مسیحیان توسط روح القدس، که ما هستیم، ساکن شده‌اند و روح القدس خداست، متفاوت است. این گفته به این معناست که خدا به صورت جسمانی در مسیح زندگی می‌کند.

به عبارت دیگر، وقتی مانند یحیی تعمید دهنده به او اشاره می‌کنید، بره خدا را ببینید که گناه جهان را، برمی‌دارد. یحیی در آن لحظه حتی کاملاً متوجه نشد، اما او به بدن خدا اشاره می‌کرد. یک لحظه صبر کنید بدن خدا.

خدا روح است. خدا جسم ندارد. خدا در آسمان جسم ندارد، اما نکته‌ی تجسم این است که شخص دوم تثلیث نه تنها جسم گرفت، بلکه به انسانی با جسم و روح تبدیل شد، و بنابراین در این انسان به طور منحصر به فرد، کمال الوهیت در قالب جسمانی زندگی می‌کند.

به عبارت دیگر، عیسی ناصری خدای مجسم است، و برخلاف بدعت کولسی، که فقط خدا به طور قطع می‌داند چیست، اما آن بدعتی بود که ترکیبی از عناصر یهودی و چیزی شبیه به عرفان بود، شما در او که رئیس تمام حکومت‌ها و اقتدار است، غرق شده‌اید. آنها به چیز دیگری نیاز ندارند. ببخشید، دوباره کمی مشکل کاربراتور پیش آمد.

داشتن مسیح. مسیح آنها را دوست داشت و خود را برای آنها در خارج از وجودشان فدا کرد، و با عمل روح خدا که آنها را با مسیح متحد می‌کند، مسیح نه تنها برای آنهاست، بلکه او مسیح در آنهاست، و آنها هر آنچه را که برای حیات ابدی و خداترسی نیاز دارند، دارند، همانطور که پطرس در دوم پطرس فصل ۱ در اوایل کتاب مقدس تکرار می‌کند. پولس دو نیاز کولسیان و شما را خلاصه می‌کند، آیه ۱۳ از کولسیان ۲، که در گناهان و نامختونی جسم خود مرده بودید، خدا شما را با مسیح زنده کرد، با او زنده ساخت.

آنها دو مشکل داشتند. یکی مرگ روحانی است. آنها از نو زاده نشده بودند، درست است؟ آنها در گناهان و خطاهایشان مرده بودند.

شما که در گناهان خود مرده بودید، و ثانیاً، گوشت آنها ختنه نشده بود. او این را به صورت نمادین به کار می‌برد زیرا مخاطبان در کولسیان در درجه اول یهودیان نیستند. منظور او این است که حتی همانطور که ختنه به معنای بریدن پوست ختنه‌گاه بود، که نماد پلیدی و گناه بود، آنها نیز پلید هستند.

هر دو در گناه مرده و از نظر روحانی ناپاک و نیازمند بخشش هستند. خدا در مسیح هر دو نیاز را برآورده می‌کند. شما که در گناهان خود مرده‌اید، خدا شما را با مسیح زنده کرده است.

نیاز آنها، به دلیل اینکه از نظر روحانی مرده بودند، با احیای مجدد آنها توسط خدا برآورده می‌شود. او آنها را به همراه خود زنده کرد. این جامع‌ترین روش برای بیان کاربرد نجات است.

این هم از اون آدم‌های سیستماتیک، من نمی‌تونم جلوی خودم رو بگیرم. نجات قبل از خلقت برنامه‌ریزی شده، در قرن اول محقق شده، اما فقط وقتی ایمان بیاوریم شامل حال ما می‌شه. و خدا نجات رو برای قوم خودش اعمال می‌کنه.

روش جامع و کامل صحبت در مورد آن، اتحاد با مسیح است. و در اینجا می‌گویند، کسانی که از نظر روحانی مرده بودند، با مسیح زنده شده‌اند. به عبارت دیگر، تولد تازه در اتحاد با مسیح است، همانطور که عادل شمردگی در اتحاد با مسیح است، فرزندخواندگی در اتحاد با مسیح است.

من صحبت‌م را تمام می‌کنم. هر جنبه‌ای از کاربرد نجات، زیرمجموعه‌ای از اتحاد با مسیح است. یا به عبارت دیگر، وقتی خدا ما را از نظر معنوی به پسرش می‌پیوندد، ما از تمام مزایای نجات بخش او بهره‌مند می‌شویم.

خدا آنها را قبل از خلقت برنامه‌ریزی کرد؛ او آنها را در قرن اول در پسرش به انجام رساند، و این همان چیزی است که این دوره در مورد آن است. اعمال مسیح، نجات را محقق می‌کند و تصاویری که خدا برای تفسیر آن اعمال ترسیم می‌کند. اما در این متن، خدا صحبت می‌کند، خداوند در مورد اعمال نجات برای کولسیانی که از نظر روحانی مرده بودند، کسانی که قبلاً از نظر روحانی مرده بودند، با زنده کردن آنها به همراه او، مسیح صحبت می‌کند.

مشکل دوم آنها ختنه نشدن جسمشان، پلیدی، ناپاکی و گناه روحانی‌شان بود. شما که در گناهان و ختنه نشدن جسمتان مرده‌اید، خدا شما را با او زنده کرد.

پادزهر شماره یک. بخشیدن همه گناهان ما. پادزهر شماره دو.

مرگ روحانی با حیات روحانی در اتحاد با مسیح و تجدید حیات روبرو می‌شود. ختنه نشدن روحانی با بخشش گناهان در مسیح روبرو می‌شود. خب، خدا چطور این کار را می‌کند؟ اوه، او فقط انگشتانش را به هم می‌زند چون خداست.

اشتباه است! خدا صفات زیادی دارد، اما از جمله آنها تقدس و عدالت است. من با احترام صحبت می‌کنم. خدا نمی‌تواند صرفاً گناه را ببخشد.

به همین دلیل است که کل سیستم قربانی در عهد عتیق، با قربانگاه‌ها و کاهنان و قربانی‌ها و دستورالعمل‌های دقیق مربوط به کل، تأسیس شد. آه، ملت‌های اطراف این چیزها را داشتند، اما آنها قوم یک خدای زنده و حقیقی نبودند. خدا دین خود را با فرمان دادن به هر جنبه‌ای از آن، از لباس و آماده‌سازی کاهنان گرفته تا قربانی‌های دقیقی که باید انجام شود، متمایز ساخت.

باورنکردنیه! اما می‌دونی چیه؟ همونطور که عبرانیان میگه، خون گاوها و بزها در نهایت گناهان رو از بین نبرد. خون بره خدا که گناهان جهان رو از بین می‌بره، این کار رو کرد. و بنابراین، وقتی خدا انجیل رو در اون تصاویر عهد عتیق از قربانی ارائه داد، خودش می‌دونست که از قبل داره کار مسیح آینده رو به کار می‌گیره.

، و آن کار باید انجام می‌شد. بنابراین، وقتی خدا کولسیان را می‌بخشد، می‌گوید که او این کار را انجام داده است، با بخشش تمام گناهان ما با لغو سابقه مرگ، بدهی، بدهی، با لغو سابقه بدهی، زبان‌پیچیده، که با خواسته‌های قانونی خود در برابر ما ایستاده بود. سابقه بدهی.

این یک سند دست‌نویس است که قرار داده شده و دلیل مصلوب شدن بر روی صلیب بوده است. اما اول از همه، این یک سند بدهی است که با مطالبات قانونی خود در مقابل ما ایستاده است. به این معنی که انگار هر یک از ما نام خود را در پایین ده فرمان امضا کرده‌ایم.

من، جو جونز، به این فرامین عمل خواهم کرد، من، جین جونز، به این فرامین عمل خواهم کرد. با امضا کردن، خودمان را محکوم می‌کنیم زیرا هیچ‌کدام از ما این فرامین را در فکر، گفتار و کردار به طور کامل اجرا نمی‌کنیم. بنابراین، در اینجا سابقه‌ای از بدهی ما آمده است.

فرامین ما را از این طرف و آن طرف محکوم می‌کنند. خدا چه کار کرد؟ او آن سابقه را لغو کرد. اوه، فقط با زدن انگشتانش؟ نه، او نمی‌تواند این کار را اینگونه انجام دهد.

او سند بدهی را که با مطالبات قانونی‌اش علیه ما ایستاده بود، لغو کرد. قانون می‌گفت: «تو نباید، و ما کاملاً باید.» و می‌گفت: «تو باید، و ما نباید،» بر اساس آن، بر اساس سند محکومیتی که نام خود را زیر آن امضا کردیم، یعنی یک سند دست‌نویس، که آن را به صلیب می‌خکوب کردیم.

چه تصویر روشنی از جایگزینی مجازات. پرونده بدهی من به صلیب عیسی می‌خکوب شده است. آنچه به صلیب می‌خکوب شده بود، علت محکومیت، مجازات و مصلوب شدن گناهکار است.

خب، عیسی گناهکار نیست. او جانشین ماست، اما به اصطلاح. این [پیام] به معنای واقعی کلمه به صلیب او می‌خکوب نشده بود.

آنچه به صلیب او می‌خکوب شده بود، عیسی مسیح، پادشاه یهودیان بود، روش پیلاتس برای انتقام از یهودیان. بنابراین، علناً، به سه زبان، او می‌گفت، این کاری است که این مردم احمق و بی‌عرضه با پادشاه خود می‌کنند. از قضا، او حقیقت را می‌گفت.

او اینطور فکر نمی‌کرد. او فکر می‌کرد که فقط با یک حرکت سیاسی دارد تلافی می‌کند چون آنها از او پیشی گرفته‌اند. ما پادشاهی جز قیصر نداریم.

وای خدای من. و برخلاف میل خودش و رویاهای دیوانه‌وار همسرش که یاهو‌گویان را ترسانده بود، عیسی را مصلوب کرد. اما آخرین کنایه را می‌زند.

او گفت، لطفاً بنویس، من هستم، نه، من نیستم، من، آنچه نوشته‌ام، نوشته‌ام. سگ‌های کثیف. بنابراین اینجا، پولس به صورت مجازی صحبت می‌کند.

انگار که بند بدهکاری ما به عنوان گناهکاران گناهکار به صلیب عیسی می‌خکوب شده است. به سختی می‌توانم. زبانی واضح‌تر از این برای انتقال این موضوع تصور کنم. جایگزینی مجازات.

پسر خدا جریمه گناهان ما را می‌پردازد. او بدهی ما را می‌پردازد. او محکومیت خدا را که از آن ماست، یعنی محکومیتی که ما به عنوان قانون‌شکنان سزاوار آن هستیم، متحمل می‌شود.

خدا با لغو سند بدهی که با الزامات قانونی اش علیه ما بود، تمام گناهان ما را بخشید. او آن را کنار گذاشت و بر صلیب میخکوب کرد. او حاکمان و قدرت‌ها را خلع سلاح کرد و با پیروزی بر آنها در او یا در آن، آنها را آشکارا رسوا ساخت.

یک جای متن یونانی مبهم است. تغییر از آیه ۱۴ به ۱۵ یکپارچه است. هیچ ارتباطی وجود ندارد، هیچ توضیحی وجود ندارد.

به طور واضح، جایگزینی کیفی قانونی با حروف بزرگ. عالی. در کنار غلاطیان ۳:۱۳، این آیه شاید، ۲:۱۴. واضح‌ترین آیه باشد.

مسیح با تبدیل شدن به یک نفرین برای ما، ما را از لعنت شریعت رهایی بخشید. این جایگزینی کیفی، ۳:۱۳. است. وای.

و بنابراین، این یکی همینطور است، اما بلافاصله بدون هیچ توضیحی در مورد ارتباط آن با مسیح ویکتور، به سراغ جایگزینی مجازات می‌رود. خدا حاکمان و قدرت‌ها را خلع سلاح کرد. این کلمه حذف شده است.

در رژه پیروزی رومی‌ها، دشمنانی که نابود نشده بودند، گاهی اوقات شامل رهبران، ژنرال‌های ارتش‌های شکست‌خورده، در رم، خیابان‌های رم رژه می‌رفتند. و همانطور که پولس در جایی، شاید در باب سوم دوم، قرن‌تین می‌گوید، ما در سوپر بول‌ها و از این قبیل چیزها در سری جهانی، بردهای بازی هفتم، کاغذ رنگی داریم، درست است؟ ما کاغذ رنگی داریم. آنها، آنها بخور و عطر داشتند.

و پولس در قرن‌تین می‌گوید، انجیل عطر خداست از مرگ تا مرگ، از زندگی واقعی، و از مرگ، برای زندگی واقعی، و برای مرگ واقعی. اگر شما یکی از جنگجویان پیروز رومی باشید، آن عطر بوی خوبی دارد، درست است؟ اوه، پیروزی. اگر شما یکی از شکست‌خوردگان باشید، اگر خوش شانس باشید، اعدام خواهید شد.

من نمی‌دانم کدام بهتر است، بردگی یا اعدام. گمان می‌کنم بستگی به این دارد که بردگی چگونه باشد. اما شما به دردسر افتاده‌اید.

و اینکه، آن بخور برای شما بوی مرگ می‌داد، خیلی خیلی مرگ، واقعاً مرگ. فهمیدید؟ این تصویر است. آنها شکست‌خوردگان، منتخبی از ارتش شکست‌خورده و ژنرال‌ها را در شهر رم رژه بردند، و کودکان و زنان مسخره می‌کردند و می‌خندیدند، و مردم از قهرمانان بزرگ خود که جشنی دارند و شاید برخی از آن افراد را در ملاء عام به عنوان بخشی از این جشن اعدام کنند، شادمان بودند.

رومی‌ها سرسخت بودند. این نوع زبان اینجا استفاده شده است. آنها، آنها سلاح‌ها را می‌گرفتند، البته، از شکست‌خوردگان، درست است؟ آیا این چیزی است که او می‌گوید؟ او حداقل این را می‌گوید.

او سلاح‌های حاکمان و صاحبان قدرت را از آنها گرفت. ضمناً، منظور پولس از حاکمان و صاحبان قدرت شیاطین و فرشتگان شیطانی هستند، درست است؟ خب، این یک تصویر است؛ البته، این یک استعاره از خداست که در صفوف پیروزمندانه، شیاطین شکست‌خورده‌ای را که سلاح‌هایشان کاملاً گرفته شده است رهبری می‌کند. اما برخی از مفسران معتقدند که کلمه «سلاح» ممکن است به معنای واقعی کلمه باشد.

یعنی، رومی‌ها گاهی ارتش‌های شکست‌خورده را با لباس‌های تولدشان جلوی زنان و کودکان رژه می‌بردند تا برایشان هورا بکشند. به جنگجویان قدرتمند نگاه کنید. خدای من.

در هر دو صورت، حداقل این است که آنها خلع سلاح شده‌اند. شاید حتی شرم‌آورتر از این باشد. خدای پدر، حاکمان و صاحبان قدرت را خلع سلاح کرد و آنها را آشکارا رسوا ساخت.

پسر، من به سمت تفسیر برهنگی اونجا متمایلیم، نمی‌دونم. با پیروزی بر اونها در اون. این مسیح پیروزه

، وای. اما چگونه این کار انجام می‌شود؟ آیه ۱۴ به ما می‌گوید. وقتی خدا سابقه بدهی ما، به اصطلاح زیروگرافون ما، سند دست‌نویس ما را به عنوان دلیل اعدام به صلیب می‌خکوب کرد، وقتی عیسی بدهی ما را به طور کامل بر روی صلیب پرداخت، در آن زمان خدا پیروزی بزرگی به دست آورد.

در اینجا به نظر می‌رسد که مسیح پیروزمند تابع جایگزینی کیفری قانونی است. و ضمناً، نه تنها کار شخصی مسیح در اینجا ترکیب شده است، بلکه تمام کمال الوهیت در او به صورت جسمانی ساکن است، و سپس به نیازهای مرگ معنوی و گناهکاری و راه‌حل‌های کاربردی به عنوان احیا و بخشش می‌پردازیم، و سپس به الهیات متقابل، جایگزینی کیفری و مسیح پیروزمند می‌رسیم. توجه کنید که چگونه این دو تصویر درست در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.

بنابراین، یک بار دیگر، برای درک بهتر، الهیات سیستماتیک از کتاب مقدس، در این مورد، شش تصویر یا مضمون از دست‌آورد نجات‌بخش عیسی را استخراج می‌کند. اما بیایید آنها را دوباره کنار هم قرار دهیم زیرا آنها اینگونه هستند. به عبارت دیگر، خداوند می‌گوید، پسر من خدا-انسان است.

وضعیت شما وحشتناک بود و شما نتوانستید خودتان را نجات دهید. ما این کار را کردیم، ای خدا. تثلیث به طرز شگفت‌انگیزی نیازهای شما را برآورده کرده است، و اساس آن این است. مرگ مسیح به عنوان جایگزین کیفری، جایگزین قانونی ما، و پیروزی مسیح به عنوان قهرمان ما، در کنار هم.

به عبارت دیگر، خداوند تمام نیازهای ما را در برنامه‌های خود، در کار مسیح و سپس در به کارگیری نجات برآورده می‌کند. شما گناه دارید. جایگزین مجازات شما اساس عادل شمرده‌گی است، که در آن خداوند می‌تواند بگوید، بنابراین، اکنون هیچ محکومیتی برای کسانی که در مسیح عیسی هستند، که به واسطه اتحاد با مسیح عادل شمرده می‌شوند، وجود ندارد.

شما در گناهان خود مرده‌اید. مسیح، آدم دوم، آغازگر خلقت جدید و نویسنده خلقت جدید، در مرگ و رستاخیز خود، زندگی خود را رها می‌کند تا ما زندگی جدیدی داشته باشیم. ما اکنون در مسیح هستیم، در حالی که قبلاً از نظر روحانی مرده بودیم.

خدا به طرز شگفت‌انگیزی نیازهای ما را برآورده می‌کند. می‌توانم این را بگویم: من هرگز مدافع نبوده‌ام، باشه؟ من تا همین اواخر بوده‌ام، و دوباره کتابمان را تبلیغ می‌کنم، من و کشیش ون لیز کتاب «عیسی در پیشگویی، چگونه زندگی مسیح پیشگویی‌های کتاب مقدس را تحقق می‌بخشد» را نوشته‌ایم تا به دست افراد نجات نیافته برسد. بنابراین، اگر به این گوش می‌دهید، و برای افراد نجات نیافته دعا کرده‌اید، و آنها کتابی را می‌خوانند، آنها را به این کتاب «عیسی در پیشگویی» راهنمایی کنید.

این کتاب زندگی مسیح و چگونگی تحقق پیشگویی‌های کتاب مقدس برای این دو هدف را روایت می‌کند. اولاً، برای نشان دادن اینکه کتاب مقدس کتابی ماوراءالطبیعه است. بله، توسط انسان‌ها نوشته شده است. برای انسان‌ها، این لطف خداست.

اگر او از خدا برای صحبت کردن استفاده می‌کرد، ما نمی‌توانستیم یک کلمه از آن را بفهمیم. این کتاب توسط افرادی مثل ما، برای افرادی مثل ما نوشته شده است، اما کتاب خداست. چگونه می‌توان پیشگویی‌های انجام شده را توضیح داد؟ خدای من، ۴۰۰ سال بین عهدین فاصله بود، ۴۰۰، ۵۰۰، ۶۰۰ و ۷۰۰ سال قبل از آن، خدا وقایع زندگی پسر محبوبش را پیشگویی کرد.

و بنابراین، از آنجایی که این کتاب خداست، ما باید به عیسی ایمان بیاوریم تا نجات یابیم. او تنها منجی جهان است و ما اکنون، به صورت سخنرانی، در حال بررسی اعمال نجات‌بخش او هستیم که توسط تصاویری که خدا ارائه داده تفسیر می‌شوند. به تجربه من، در تدریس و موعظه این چیزها در مقاطع تحصیلات تکمیلی و کلاس‌های مدرسه یکشنبه، این تصویر، ناآشناترین تصویر است.

تصویر احیا با مسیح، آدم دوم. در اول قرن‌های ۱۵، شاید در آیات ۵۵ و ۵۷، پولس از این عبارت استفاده می‌کند: انسان دوم، آدم آخر. بنابراین، این اصطلاح کتاب مقدسی است، و به این ترتیب، آدم دوم، به الهیات سیستماتیک می‌رسد.

این قسمت‌ها از آدم اول و دوم صحبت می‌کنند، پیدایش ۱:۲۶-۲۸، ۲:۷، ۲:۲۱-۲:۲۲، کل فصل ۳ در پاپیز لوقا ۳:۳۸، لوقا ۱:۴-۱۳، رومیان ۵:۱۲-۵:۱۹، ۸:۲۹، مسیح نخست‌زاده‌ی برادران بسیار است، در آنجا آمده است. اول قرن‌های ۲۰-۱۵:۲۲، ۴۲-۴۹، دوم قرن‌های ۴:۴-۶، کولسیان ۱:۱۵، ۱:۱۸، عبرانیان ۵:۲-۱۰. خب، همه اینها شامل تعالیم آدم اول و سپس آدم دوم است.

کره، تصویر دستاورد نجات‌بخش مسیح، این تصویر، از کره خلقت ویژه خدا از اولین مرد و زن به تصویر او با تسلط بر خلقت کوچکتر می‌آید. پیشینه پیشینه عهد عتیق شامل آدم، اولین انسان، آفریده شده، وسوسه شده و سقوط کرده است. تعریف، آدم دوم تصویر عهد جدید از کار نجات‌بخش مسیح است که در آن از طریق یک عمل صالح خود، رومیان ۵:۱۸، جلال، افتخار و حکومت از دست رفته بشر بر زمین را بازیابی می‌کند.

نیاز بشریت به آدم دوم، همان سقوط فاجعه‌بار آدم اول است که گناه و مرگ را به جهان بشریت و بی‌نظمی را به خلقت نیکوی خدا آورد. آغازگر، آدم دوم با اراده خود و طبق نقشه خدا می‌آید و فرزندان سقوط کرده آدم را نجات می‌دهد، همانطور که خدا از طریق او، پسران و البته دختران بسیاری را به جلال می‌رساند، عبرانیان ۲:۱۰. ما در جلال آفریده شدیم، همانطور که مزمور ۸ اعلام می‌کند، و تاج جلال و افتخار بر سر داریم. ۲:۱۰.

ما در سقوط، جلال خود را از دست دادیم. مسیح، پسر باشکوه، در حالت تحقیر خود به بنده رنج کشیده و رسوا تبدیل می‌شود. آه، اما او برخاسته است.

او دوباره جلال خود را دارد، و او، به فیض خود، پسران بسیاری را به جلال می‌رساند، عبرانیان ۲:۱۰. واسطه، دومین انسان در آخرین آدم است. اول قرن‌های ۱۵، ۴۵ و ۴۷.

مطمئن نیستم قبلاً چی گفتم، اما درست، این دفعه درست. پسر مجسم و تصویر واقعی، دوم قرن‌های ۴:۴، کولسیان ۱:۱۵. وقتی مسیح را تصویر واقعی می‌نامد، مطمئناً منعکس کننده آموزه آدم دوم است، زیرا همانطور که می‌دانید، آدم در حوا به تصویر خدا آفریده شد.

آن پسری است که برای مدت کوتاهی با تبدیل شدن به انسانی از جسم و خون، از فرشتگان پایین‌تر قرار گرفت، عبرانیان ۲:۱۴. او آغاز است، نخست‌زاده از مردگان و بنابراین نخست‌زاده در میان برادران بسیار رومیان ۸:۲۹. اکنون از طریق آن، نقل قول، تاج جلال و افتخار بر سر نهاده شده، عبرانیان ۲:۹، خدا پسران بسیاری را به جلال خواهد رساند، عبرانیان ۲:۱۰.

کار آدم شامل تجسم او نیز می‌شود. او باید آدم دوم شود، یک مرد، یک بشر. او یکی از ما می‌شود.

این پیش‌شرط او برای آدم دوم بودن است. خدمت زمینی او، از جمله وسوسه‌ها، لوقا ۴:۱ تا ۱۳، و رنج‌هایی که از طریق آنها کامل شد، عبرانیان ۲:۱۰، ۵:۹، ۷:۲۸. باید به این موضوع برگردم زیرا بدون شک مشکل‌ساز است، به خصوص مرگ او، رومیان ۵:۱۹، عبرانیان ۲:۹، و رستاخیز، اول قرن‌تیان ۱۵:۲۰ تا ۲۲، ۱۵:۴۵ کولسیان ۱:۱۸، عبرانیان ۲:۹. عروج او، عبرانیان ۲:۹، و همچنین بازگشت او به عنوان آدم دوم، اول قرن‌تیان ۱۵:۲۰ تا ۲۳.

سه بار در کتاب عبرانیان به تنهایی آمده است که پسر کامل شد. سه بار، و یکی از آنها کلید ماجرا است. آن عبرانیان ۵ است. نحوه‌ی درک عبرانیان ۵:۹ همان نحوه‌ی تفسیر عبرانیان ۲:۱۰ و ۷:۲۸ است.

هر یک از آنها از کامل شدن پسر صحبت می‌کنند. 5:9 زمینه‌ای را برای ما فراهم می‌کند. 5:7، عیسی در ایام حیات خود، با فریادهای بلند و اشک‌ها، دعاها و تضرعات خود را به درگاه او که قادر به نجات او از مرگ بود، تقدیم کرد.

برای من مثل جتسیمانی به نظر می‌رسد، اگرچه یکی از دانشجویان سابق من در پایان‌نامه‌اش گفته که این صلیب بوده است. در هر صورت، این مسیح در اوج ناامیدی است، درست است؟ و او به خاطر احترامش شنیده شد. پدر او را از مرگ نجات نداد.

نه، پدر او را از مرگ بر روی صلیب نجات نداد، بلکه با برخیزانیدن او از مردگان، او را از مرگ نجات داد. و به خاطر احترامش، دعایش شنیده شد. اگرچه او یک پسر بود، عنوانی الهی در عبرانیان که قبلاً در فصل ۱ آمده است، اما از طریق رنج‌هایی که کشید، اطاعت را آموخت.

پسر خدا اطاعت را آموخت. بله، نه پسر خدا در آسمان. او نیازی به یادگیری اطاعت نداشت.

پسر خدا بر روی زمین، به عنوان خدا-انسان، نیاز داشت اطاعت را بیاموزد. در کودکی، پس از حادثه‌ای که در معبد، جایی که او به خاخام‌ها درس می‌داد، اتفاق افتاد، یوسف و مریم کمی گیج شدند. در کتاب مقدس آمده است که او با آنها بازگشت و مطیع آنها بود. این زیباست.

او اطاعت را به عنوان خدا-انسان آموخت. آیا این او را گناهکار می‌کند؟ خیر. این بدان معناست که او یک زندگی و رشد واقعاً انسانی را تجربه کرد و در هر مرحله، جدا از گناه، اطاعت را آموخت.

اگرچه او یک پسر بود، پسر الهی، اما او نیز مانند ما، اطاعت را از طریق رنج‌هایی که کشید آموخت. خب، این اشتباه است. درست مانند او، ما نیز اطاعت را می‌آموزیم.

بعضی وقت‌ها بهترین درس‌ها را هرگز انتخاب نمی‌کنیم. ما آنها را وقتی یاد می‌گیریم که رنج می‌کشیم. ما آنها را وقتی یاد می‌گیریم که دیگر توانی نداریم.

ما این را زمانی می‌آموزیم که تا جایی کشیده می‌شویم که به نظرمان فراتر از نقطه کشش و نقطه شکستمان می‌رسد، و خدا وارد عمل می‌شود، و خدا کمک می‌کند، و خدا ما را فروتن می‌کند و چیزهایی را به ما می‌آموزد که در غیر این صورت هرگز یاد نمی‌گرفتیم. این تعلیم دشوار کتاب مقدس در رومیان ۵، ۱ تا ۵، یعقوب ۱ و جاهای دیگر است. و او که کامل شد، منبع نجات ابدی برای همه کسانی شد که از او اطاعت می‌کنند، و توسط خدا به عنوان کاهن اعظم از رتبه ملک‌یصدق منصوب شد.

پسر خدا به چه معنایی کامل شد؟ خب، خیلی منطقی است که اینجا تحت عنوان خلقت جدید آدم دوم است، اولاً، خوبی. او به عنوان یک انسان کامل شد.

پاسخ دقیقاً در همان زمینه‌ای است که خواندیم. او از این جهت کامل شده است که اگرچه پسر خدا و خدا بود، اما در انسان شدن، واقعاً به یک جنین انسانی و سپس به یک نوزاد تبدیل شد و سپس تا بزرگسالی، از رنج‌هایی که کشید، اطاعت را آموخت. بنابراین، کامل شدن او در این سه بخش از عبرانیان، و باز هم در اینجا بخش اصلی ۵:۹ از عبرانیان است، و آنچه در اینجا فهمیده می‌شود، به ۲:۱۰ و ۷:۲۸ نسبت داده می‌شود، و به درستی نیز همینطور است.

منظور این نیست که او در الوهیت خود کامل شد، او از قبل کامل بود. منظور این نیست که او به دلیل گناهکار بودنش کامل شد، بلکه منظور این است که او بخشیده شد زیرا هرگز گناهکار نبود. رویداد نجات‌بخش شماره دو، یک زندگی بدون گناه بود، درست است؟ این پیش‌شرط همه چیزهایی بود که در ادامه می‌آید.

او از این جهت کامل شد، من این را اینطور می‌گویم، اگر در روزنامه اورشلیم گزت آگهی وجود داشت، بله، من اینجا برای آموزش این را جعل می‌کنم که آیا در روزنامه اورشلیم گزت آگهی برای واسطه‌ای بین خدا و انسان ناجی جهان، رهایی‌بخش، آدم دوم وجود داشت یا خیر. به اصطلاح، این چیزی است که گفته می‌شد. سه شرط لازم است.

اولاً، فقط خدا باید درخواست بدهد. خب، تعداد دیدگاه‌ها همین‌جا به سه تا کاهش می‌یابد. ثانیاً، شما باید خدای مجسم، انسان-خدا باشید.

فقط یک نفر واجد شرایط است، اما نکته اینجاست: یک شرط سوم هم برای آدم دوم و نجات‌دهنده‌ی جهان بودن وجود دارد. یعنی، با احترام می‌گویم، یکی از نیازها، تجربه‌ی کاری است. هیچ کس دیگری لازم نیست درخواست بدهد.

خدا پسرش را در ۳۳ سالگی به زمین نفرستاد تا روی صلیب بمیرد. مریم بود، مریمی که توسط روح القدس باردار شد. این نوزاد به دنیا آمد.

عیسی، خدا-نوزاد، پسر خدا، خدا-انسان است. ناجی ما یکی از ماست، و نه تنها خدا بود که انسان شد، بلکه مورد آزمایش و امتحان قرار گرفت، رنج کشید، اطاعت آموخت، مورد تأیید قرار گرفت و به این ترتیب، کاملاً واجد شرایط شد تا واسطه ما باشد. تنها چیزی که می‌توانم به چنین چیزهایی بگویم این است که به ما بیاموزند که خدا چگونه ما را دوست دارد و مسیح چگونه ما را دوست دارد.

همه اینها نه برای او، بلکه برای ما بود. ما به درستی بر صلیب و مقبره خالی تمرکز می‌کنیم، اما آنها تنها نیستند، و به ویژه در این مضمون آدم دوم، تمرکز بر کل زندگی زمینی او است که منجر به مرگ و رستاخیز او می‌شود. خدا را برای چنین نجات‌دهنده‌ای ستایش کنید.

همانطور که در یک آهنگ قدیمی آمده است، هلولیاه، چه نجات‌دهنده‌ای. در سخنرانی بعدی‌مان، در واقع با مسیح به عنوان دومین نفرمان ادامه خواهیم داد، بیایید بحث را تمام کنیم، چون چیز زیادی برای ادامه دادن نمانده، اشکالی ندارد؟ بیایید بحث را اینجا با مسیح، دومین آدممان، تمام کنیم. نمی‌دانستم چقدر به پایان بحث نزدیک شده‌ایم.

نتایج حال و آینده از این واقعیت حاصل می‌شود که مسیح، آدم دوم و نجات‌دهنده ماست. دستاورد آدم دوم، نتایج حال و آینده را برای قومش به ارمغان آورد. از طریق کار او، ما اکنون عادل شمرده می‌شویم.

رومیان ۵، دو آدم را به طور واضح در مقابل هم قرار می‌دهد. رومیان ۱۸: ۵ و ۱۹، آدم اول ما را به هلندی‌های جدی کشاند، آدم دوم ما را از آن بیرون می‌آورد. بنابراین، همانطور که یک خطا، به وضوح در مورد آدم در این زمینه، منجر به محکومیت همه انسان‌ها شد، یک عمل صالح نیز منجر به توجیه در زندگی همه انسان‌ها می‌شود.

زیرا همانطور که به سبب نافرمانی یک نفر، بسیاری گناهکار شدند، به سبب اطاعت یک نفر نیز بسیاری پارسا خواهند گردید. این دو آدم هستند. این آدم، پدر اول ما، و خداوند عیسی، آدم دوم ما است.

به واسطه‌ی عمل اوست که ما عادل شمرده می‌شویم. آدم، یک نافرمانی، یک نافرمانی و یک خطا، کلمه است، یک گناه. گناه، خطا و نافرمانی در رومیان ۱۲: ۵ تا ۱۹ به طور مترادف به کار رفته‌اند.

این منجر به محکومیت نسل بشر شد، بنابراین یک عمل صالح منجر به توجیه و حیات برای همه افرادی می‌شود که به خداوند عیسی ایمان دارند. دومی آدم است، یک عمل صالح، که به معنای مرگ او بر روی صلیب است. بله، زندگی بدون گناه او یک پیش نیاز ضروری است و رستخیز او در پی آن می‌آید، اما تمرکز اینجا در رومیان ۵: ۱۸-۱۹ بر مرگ اوست.

آدم محکومیت را آورد و عیسی حیات و عادل شمردگی، عادل شمردگی و حیات را. آدم مرگ و محکومیت را آورد و عیسی حیات و عادل شمردگی را. او آدم دوم است.

از طریق کار او، ما اکنون عادل شمرده می‌شویم، رومیان ۱۸: ۵، و بازسازی جزئی تصویر خدا را تجربه می‌کنیم. افسسیان ۴: ۲۴ و ۱۰: ۳ از ایماندارانی صحبت می‌کنند که به تصویر خدا بازسازی می‌شوند. در کولسیان ۱۰: ۳ این بازسازی بر اساس دانش است، به خصوص بر اساس شناختن خدا در مسیح.

آدم و حوا در سقوطشان خداوند را شناختند. آنها خداوند را در مسیح شناختند. ما جنبه‌ای از آن تصویر را دوباره به دست می‌آوریم، به این صورت که از ذهن خود برای شناخت خداوند، جستجوی اراده او و اطاعت از او استفاده می‌کنیم.

ما تجدید ذهن داریم، رومیان ۱: ۱۲ و ۲. پولس می‌گوید افسسیان ۴: ۲۴ از تجدید به صورت خدا در عدالت و تقدس واقعی صحبت می‌کند. والدین ما نه معصوم، بلکه عادل شدند. آنها در مشارکت با خدای مقدس بودند.

البته در سقوط، آنها پارسایی و تقدس را از دست دادند. در مسیح، پس از اینکه پارسا اعلام شدند، خدا به ما روحی می‌دهد و شروع به ساختن پارسایی واقعی در زندگی قوم خود می‌کند. این کار هرگز در این زندگی انجام نمی‌شود، اما واقعی است، حقیقت دارد.

این یک بازسازی جزئی از تصویر است. ما بیشتر شبیه آن چیزی هستیم که خداوند ما را آفریده، یعنی مؤمن، تا کافر. در واقع، مقدسین خداترس.

بسیاری از کشیشان برای تسلی دادن به یک قدیس در حال مرگ به بیمارستان رفته‌اند و با اشک‌هایی که از صورتشان جاری بوده، از آنجا برگشته‌اند، زیرا توسط این شخص عزیز تسلی یافته‌اند، کسی که گناهان او را بهتر از آنچه او در تمام عمرش می‌دانسته، می‌شناسد، اما در عیسی به عنوان خداوند و نجات‌دهنده شادی

می‌کند و به جایی که قرار است چند دقیقه دیگر باشد، اطمینان زیادی دارد. چه کار بزرگی خدا از طریق پسرش، نجات‌دهنده ما، تصویر واقعی خدا که به واسطه زندگی، مرگ و رستاخیزش، باعث می‌شود که ما همانطور که خدا نجات را توسط روح خود در ما اعمال می‌کند، به تصویر خدا تجدید شویم. باز هم، این را می‌گوییم، در کولسیان ۳:۱۰، در دانش، در افسسیان ۴:۲۴، در عدالت و تقدس.

تنها در زمان ظهور دوباره او، مسیح ما را به حیات جاودان در زمین جدید خواهد رساند. اول قرن‌تین ۱۵:۲۰ تا ۲۳، در آن زمان ما در حضور مردم و فرشتگان عادل اعلام خواهیم شد، رومیان ۵:۱۹، کاملاً به تصویر او تبدیل خواهیم شد، رومیان ۸:۲۹، زیرا عیسی فرزند ارشد برادران و خواهران بسیار است. اول قرن‌تین ۱۵:۴۲ تا ۴۹، بدن‌های فانی ما به بدن‌های جاودان تبدیل خواهند شد.

آنچه اکنون در درون ماست، حیات جاودان در بدن‌های فانی است؛ ما در درون و بیرون خواهیم بود زیرا بدن‌های ما جاودانه، فسادناپذیر، قدرتمند، باشکوه و روحانی خواهند بود. مطمئناً منظور از غیرمادی در اول قرن‌تین ۱۵، فصل رستاخیز نیست، بلکه بدن‌های ما چنان توسط روح القدس کنترل خواهند شد که آنچه اکنون در درون مؤمنان است، یعنی حیات جاودان، در بیرون از مؤمنان نیز خواهد بود. بدن‌های ما برای حیات جاودان در زمین جدید آماده خواهند شد.

چرا؟ زیرا، در میان نقش‌های دیگر، خداوند عیسی مسیح، خداوند جلال، انسان دوم، آدم آخر است، و به خاطر او، ما کاملاً به تصویر خدا تبدیل خواهیم شد و از جلال، افتخار و سلطه‌ای که والدین اولیه ما قبل از سقوط داشتند، بهره‌مند خواهیم شد. ما حتی آن را به میزان بیشتری خواهیم داشت زیرا برخلاف آنها، قادر به سقوط نخواهیم بود. عبرانیان ۲: ۹ و ۱۰ از مسیح صحبت می‌کند که پسران بسیاری را به جلال می‌رساند.

در سخنرانی بعدی‌مان، به آخرین تصویر از شش تصویری که در مورد کار نجات‌بخش مسیح با آنها سروکار داریم، خواهیم پرداخت، و آن مضمون قربانی و کاهنی است.

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد کارهای نجات‌بخش مسیح است. این جلسه ۱۷، تصاویری از کار مسیح، بخش ۳، مسیح پیروز ما و آدم دوم است.